

محدوده: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

تستی

۱. طبق نظر مصنف، کدام گزینه دلیل احتیاج به علم رجال نمی باشد؟
 - ا. وجود جاعلان حدیث در میان راویان ☐
 - ب. وجود راویان اهل سنت در سند روایات ☐
 - ج. تألیف کتب غیر متقن حدیثی به وسیله راویان غیر مشهور ☐
 - د. رجوع به صفات راوی در اخبار علاجیه ☐
۲. کدام یک از مشخصات ذیل، از امتیازات «رجال نجاشی» است؟
 - ا. ترجمه راویان شیعه و سنی ☐
 - ب. اختصاص به رجال شیعه ☐
 - ج. ذکر راویان بر اساس طبقه ایشان ☐
 - د. توثیق و تضعیف راویان از طریق روایات اهل بیت ☐
۳. کدام یک از جوامع رجالی ذیل، تعلیقه و نقدی است بر «تنقیح المقال»؟
 - ا. معجم رجال الحدیث ☐
 - ب. نقد الرجال ☐
 - ج. قاموس الرجال ☐
 - د. الفوائد الرجالية ☐
۴. توثیقات و تضعیفاتی که در کتب رجالیون قدما است، مستند به کدام یک از امور ذیل نیست؟
 - ا. النقل و السماع ☐
 - ب. الوجدان فی الكتاب الثابت نسبتہ إلى مؤلفه ☐
 - ج. الشهرة و الاستفاضه ☐
 - د. الحدس و الاجتهاد ☐

تشریحی

۱. با توجه به عبارت «العلماء يتحدان موضوعاً و لكن الموضوع في كل واحد يختلف بالحيثية»، تفاوت دو دانش رجال و تراجم در «موضوع» را بیان نمایید.

* إن الاخبار العلاجية تأمر بالرجوع الى صفات الراوى من الاعدية و الاقهيّة، حتى يرتفع التعارض بين الخبرين بترجيح احدهما على الآخر في ضوء هذه الصفات.
۲. ا. منظور از اخبار علاجیه چیست و چگونه دلیل بر نیازمندی ما به علم رجال است؟ ب. دو دلیل دیگر بر نیازمندی به علم رجال را بنویسید.
 ۳. ا. کدام یک از منابع اصلی رجال، ناظر بر فهرست شیخ طوسی است؟
 - ب. در کدام یک از منابع اصلی رجال شیعه، مطلبی درباره توثیق و تضعیف راویان نیامده است؟
 - ج. کدام کتاب رجالی برای اولین بار توسط سید بن طاووس یافت شد؟
 - د. گسترده ترین منبع رجالی شیعه کدام است؟
 ۴. نظر نهایی مؤلف کتاب در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار رجال ابن غضائری چیست؟
 ۵. دو مورد از فرقهای «خلاصة الاقوال» علامه و «رجال ابن داود» را بنویسید.
 ۶. کدام توثیق را «خاص» و چه توثیقی را «عام» می گویند؟
 ۷. چهار مورد از راههای به دست آمدن توثیق خاص را بنویسید.
 ۸. نظر مصنف را درباره توثیقات علمای متأخرین تبیین کنید.
- * إن الاصحاب و إن تلقوه (اصحاب اجماع) بالقبول، لكن ذلك التلقى لا يزيدنا شيئاً، لأنهم اعتمدوا على نقل الكشي و لولاه لما كان من ذلك الاجماع اثر، و لاجل ذلك نرى ان الشيخ لم يذكره في كتابي الرجال و الفهرست، و أن ذكر الشيخ في رجال الكشي لا يدل على كونه مختاراً عنده.
۹. با توجه به عبارت فوق، آیا کثرت نقل «اصحاب اجماع» از سوی رجالیان بعد از کشی، می تواند مؤید این نظریه باشد؟ چرا؟